



ناصر نادری، سرگروه داوران حوزه «قصه‌های قرآنی» تأکید کرد:

## فضای قصه‌های قرآنی را بهتر بشناسیم

خیر. البته دلایل گوناگونی داشت؛ از جمله اینکه تعداد آثار به اندازه‌ای نبود که برای معرفی اثر برگزیده احساس نیاز کنیم. کتابی هم که به‌عنوان اثر تقدیری انتخاب شد هم به لحاظ فرم و چاپ و هم به لحاظ محتوا و زبان، اثر ارزشمندی است ولی در عین حال، تا اوج قله و ایده‌آل فاصله وجود داشت. تقریباً بین همه هواداران گروه اتفاق نظر بود که ما فقط اثر تقدیری انتخاب کنیم. خوشبختانه این اثر در هر دو وجه محتوایی و ظاهری اثر قابل‌اعتنایی است و برای مخاطبان گروه سنی (ب) نوشته شده است.

**چرا؟** راجع به معیارهای داوری آثار توضیح می‌دهید؟  
معیارهای گزینش آثار دو دسته بود. یک دسته جنبه‌های کتاب‌سازی را مدنظر داشت، مانند تصویرسازی، طراحی گرافیک، صفحه‌آرایی و چاپ، دسته دیگر معیارها بر ساختار محتوایی اثر تأکید داشت. به‌ویژه سندیت و صحت اطلاعات، وفاداری به نوع نگاه و تلقی قرآنی و جنبه‌های زبانی اثر مانند رعایت ظرفیت ذهن و زبان مخاطب، پیراستگی، سلیس بودن و سادگی نثر و زبان.

**چرا؟** در میان کتاب‌های گروه، بیشتر چه گروه سنی مخاطبان آثار بودند؟  
خوشایندترین و لذت‌بخش‌ترین شکل روایت متن قرآنی به‌ویژه

ناصر نادری، سرگروه داوران حوزه قصه‌های قرآنی است که خود نیز دستی به قلم دارد. وی معتقد است یکی از عمده مشکلاتی که در حوزه قصه‌های قرآنی به چشم می‌خورد عدم اشراف علمی برخی نویسندگان به موضوعات و قصه‌های قرآنی و بیگانگی با ویژگی‌ها و فضای قصه در قرآن است. نادری به مؤلفان و ناشران این حوزه توصیه می‌کند پیش از نگارش و چاپ داستان‌های قرآنی به پژوهش و مطالعه منابع قرآنی بپردازند و از مشاوران مسلط به قرآن کمک بگیرند تا بعداً شاهد کاستی‌ها و کمبود علمی در تولید اثر قرآنی خود نشود.

**چرا؟** لطفاً به‌عنوان سرگروه داوران قصه‌های قرآنی، از روند داوری کتاب‌ها برایمان بگویید.  
این برای نخستین بار است که کتاب‌های حوزه قصه‌های قرآنی در آموزش و پرورش و در یک جشنواره مستقل بررسی می‌شوند. لابد می‌دانید که در این جشنواره فقط کتاب‌های منتشر شده طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ پذیرفته می‌شد، به همین دلیل آثار محدودتری به دبیرخانه رسید. در حوزه قصه‌های قرآنی حدود ۳۰ عنوان کتاب برای داوری به دست ما رسید که در ریزش اولیه به ۵ اثر کاهش یافت. از این ۵ اثر، ۴ کتاب نامزد دریافت جایزه شدند و یک اثر هم به‌عنوان اثر تقدیری انتخاب شد.

**چرا؟** بنابراین کتاب برگزیده در این حوزه معرفی نشد؟

برای کودکان و نوجوانان قصه است. لذا عمده کتاب‌ها در حوزه قصه‌های قرآنی معطوف به گروه کودک و نوجوان بود. البته آثاری هم برای بزرگسالان وجود داشت اما به لحاظ کتاب‌سازی و معیارهای دیگر قابل توجه نبودند.

### چرا خلاصه‌ها و کاستی‌هایی در بررسی آثار به چشم می‌خورند؟

در هر دو بخش از معیارها - کتاب‌سازی و محتوا - به شکل کلی خلاصه‌هایی وجود داشت. در بخش محتوا به نظر می‌رسید برخی از نویسندگان این آثار اشراف علمی لازم را به موضوع قرآنی نداشته‌اند. در واقع نوعی خلأ پژوهشی که نخستین گام برای نوشتن هر اثری است احساس می‌شود. این در حالی است که ضرورت دارد نویسندگان قبل از اینکه داستانی را بنویسند حتماً منابع معتبر قرآنی و پژوهشی را مطالعه کنند و یا حداقل مشاور قرآنی داشته باشند تا این کاستی‌ها و کمبود علمی در تولید اثر احساس نشود. از سوی دیگر به نظر می‌رسید بعضی نویسندگان، با فضای قصه و ویژگی‌های آن در قرآن بیگانه‌اند. جالب است بدانید که ما در قرآن چیزی به نام قصه و یا «قصص» نداریم. در قرآن تعبیری که به معنای رساندن این مفهوم است تعبیری مانند «قصص» است. در قرآن کریم کلمه قصص شش بار و مشتقات آن ۲۷ بار ذکر شده که به معنای سرگذشت، خبر و پی‌جویی است. از سوی دیگر باید به این موضوع توجه داشت که قصص قرآنی با قصص پیامبران متفاوت هستند. وقتی از قصص پیامبران صحبت می‌کنیم منظور ۲۵ قصه است که درباره پیامبران است و احوال و حوادث آن‌ها را بیان می‌کند. حدود ۲۰ قصص هم در قرآن کریم وجود دارد که راجع به اشخاصی غیر از پیامبران است. غیر از تعبیر قصص، گاهی واژه‌هایی نظیر «حدیث» یا «نبأ» و «آیه» نیز آمده است که به معنای سرگذشت است. لذا بهترین تعبیر «سرگذشت‌های قرآنی» است.

این در حالی است که در واژه قصه یا قصص که منظور داستان است، عنصر خیال‌پردازی و تخیل وجود دارد که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در ادبیات داستانی به‌شمار می‌رود، یعنی فضای قصه ساختگی است. حتی در قصه‌های رئالیستی هم گرچه ذهن قصه‌نویس از واقعیت وام می‌گیرد ولی با پردازش ذهنی، لایه‌هایی از ذهن و خیال خود را هم می‌گنجاند. لذا اصلی به نام «آشنایی زدایی» در قصه‌نویسی وجود دارد که براساس آن نویسنده سعی می‌کند در عین وفاداری به واقعیت، نوعی حس بیگانگی نسبت به واقعیت ایجاد کند تا باعث شگفتی در خواننده شود. اما در قرآن کریم چیزی به نام قصه که مایه گرفته از خیال و خیال‌پردازی باشد وجود ندارد. با وجود این در برخی از آثار، نویسندگان به خود اجازه داده که با خیال‌پردازی برخی مسائل را حتی بدون استفاده از روایات وارد داستان کنند. چرا که بعد از قرآن، تنها منبعی که می‌توانیم در فضا‌سازی قصه‌ها از آن استفاده کنیم احادیث و روایات است. همه این‌ها به معنای کمبود پژوهش و اطلاعات و عدم درک فضای قصه‌های قرآنی است.

### چرا در بخش کتاب‌سازی و معیارهای ظاهری، کتاب‌ها چه وضعیتی داشتند؟

باید به این موضوع توجه داشت که بخشی از نشر کتاب، شکل و فرم آن است. مخصوصاً برای مخاطبان کودک و نوجوان که در کتاب‌های مربوط به آن‌ها از تصویرسازی استفاده می‌شود. تصویرسازی‌های قرآنی هم باید خیلی دقیق و با رعایت همه مستندات قرآنی باشد. همچنین باید ظرافت‌هایی هم که در متون روایی ما آمده و حدود را مشخص کرده است رعایت شود. بخشی از کاستی‌هایی که در کتاب‌های گروه قصه‌های قرآنی به چشم می‌خورد، ناشی از تصویرسازی‌های ضعیف و چاپ ناشایست آثار بود. لذا اثری که به‌عنوان کتاب تقدیری انتخاب شد گرچه یک تصویرگر واحد داشت اما تلاش کرده بود به جنبه‌های خلاق، فرهنگ پوششی بستر داستان و محیط طبیعی حوادث وفادار باشد.

### چرا پس فکر می‌کنید نوآوری خاصی در کتاب‌های این گروه نبوده است؟

من معتقدم نشر جریان پیچیده‌ای است که نیازمند همکاری چند دانش و تخصص است. در گام نخست ناشر باید چند نکته را رعایت کند از جمله نیازسنجی مخاطب، درک دقیق از بازار نشر، دقت بر کسب اطلاعات و پژوهش اولیه، دقت در انتخاب نویسندگان و شگردهای خلاق نوشتن، دقت در انتخاب تصویرگر و طراح گرافیک، دقت

در صفحه‌آرایی، دقت در نظارت بر چاپ، توزیع و دریافت بازخورد از اثر. اگر ناشر بتواند این فرایند جامع و کامل را به خوبی انجام دهد، آن اثر، ایده‌آل و با کیفیت خواهد بود. به نظر من در گروه هر کدام از آثاری که همه این عناصر را مورد توجه قرار داده بود، به همان میزان موفق بود. اما اگر یکی دو مورد از این زنجیره هم مورد غفلت واقع شود کتاب دچار مشکل می‌شود. مثلاً برخی از ناشران به ویرایش زبانی و نیز علمی محتوایی کتاب‌های حوزه داستان‌های قرآنی بی‌توجه‌اند. همین موضوع باعث ایجاد کاستی‌هایی در اثرشان می‌شود.

### چرا پیشنهاد شما برای کمتر کردن این کاستی‌ها چیست؟

ما به‌عنوان سازمان آموزش و پرورش باید نقش هدایتی و حمایتی داشته باشیم. اصل جریان آفرینش توسط ناشران و پدیدآورندگان ایجاد می‌شود. برخی از عناصر مهم در این زمینه به پدیدآورنده‌ها معطوف است؛ مانند افزایش سواد علمی در حوزه قصه‌های قرآنی؛ وسواس و دقت نسبت به ویرایش و پیرایش زبانی آثار؛ درک جنبه‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و زیبایی‌شناختی. بخش‌هایی مانند توجه به جنبه‌های ویرایش فنی و صوری و

در بخش محتوا به نظر می‌رسید برخی از نویسندگان این آثار اشراف علمی لازم را به موضوع قصه‌های قرآنی نداشته‌اند. در واقع نوعی خلأ پژوهشی که نخستین گام برای نوشتن هر اثری است احساس می‌شود.



ساختاری و انتخاب تصویرگر و مدیر هنری حرفه‌ای هم به عهده ناشران است. ناشران باید در ارائه فرم چاپ خلاقیت به خرج دهند. ما غیر از متن و تصویر می‌توانیم با شگردهای فنی و کارهای حجمی گرافیکی به اثر جذابیت ببخشیم. اما احساس می‌شود در شکل ارائه از لحاظ چاپ هم چنان رویه سنتی و معمول را ادامه می‌دهیم.

### چرا فکر می‌کنید برای اثربخشی بیشتر جشنواره در این حوزه باید چه کرد؟

جشنواره که نمادی از تشویق و حمایت مادی و معنوی از پدیدآورندگان است باید همواره مانند رودخانه‌ای در بستر زمان تأثیر نافذ و به دور از هیاهو داشته باشد. ما باید با نشست‌های علمی، در عین خاموشی، ولی با عمق، کارشناسان مجرب حوزه‌های قرآنی از جمله قصه‌های قرآنی را دعوت کنیم. در این

نشست‌ها باید عناصر کیفیت‌بخشی این‌گونه آثار مورد بررسی قرار بگیرند. از جمله پژوهش و اطلاعات، گرافیک و تصویرسازی و روایت و شگردهای داستانی و نیز خلاقیت‌های چاپی، نیازسنجی مخاطب، بازاریابی و بازاریابی آفرینی این آثار و نیز مروری بر تجربه‌های سایر ملل. مرور تجربه‌های ناشران موفق حتی ناشران برگزیده این جشنواره هم می‌تواند به سایر ناشران کمک کننده باشد. در طول زمان باید این امکان فراهم شد که بتوانیم به شکل علمی این آثار را بررسی کنیم تا روابط کاری در تولید آثار قرآنی شکل حرفه‌ای به خود بگیرد. در واقع جان‌مایه روابط حرفه‌ای در تولید آثار قرآنی نگاه علمی به این پدیده است. بنابراین ابتدا باید بسترهای ذهنی لازم درباره این موضوع فراهم شود تا پس از آن کنش‌ها و واکنش‌های حرفه‌ای را به وجود آورد. این موضوع تنها در این جشنواره به دست نمی‌آید. جشنواره بیشتر جرقه حمایتی است اما لازمه‌اش ایجاد نگاه علمی است.

